



نگاهی به جذابترین داستان‌ها و رمان‌های ادبیات ایران که با محوریت عاشورا نوشته شده‌اند

روایت‌های عاشقی در حدیث ماندگار کربلا

احمد محمدتبریزی/ ادبیات عاشورایی در فرهنگ کشور ما، سابقه‌ای طولانی دارد و نویسندگان زیادی درباره این حماسه تاریخی کتاب نوشته‌اند. در دوران معاصر، نویسندگان در این حوزه، با محور قرار دادن واقعه عاشورا، به داستان‌ها و رمان‌های‌شان رنگ و بویی تازه دادند. حاصل کار این نویسندگان کتاب‌های خواندنی و ماندگاری را پدید آورده و خوانندگان زیادی را به خود جلب کرده است. تأثیرگذاری قالب ادبی داستان و همچنین در نظر گرفتن تکنیک‌های متداول از سوی این داستان‌نویسان باعث شده که نگاهی نو در زمینه ادبیات عاشورایی پدید آید و اتفاقات خوبی را در این حوزه رقم بزند. تعداد آثار خوب داستانی با محوریت عاشورا کم نیست؛ اگر با دقت این گونه ادبی را دنبال کنیم، متوجه خواهیم شد که رمان‌ها و مجموعه‌هایی در این رابطه منتشر شده‌اند که به لحاظ رعایت تکنیک‌های بالا در داستان‌نویسی با تکیه بر شناخت مناسب متون دینی و تاریخی حرف‌هایی برای گفتن دارند.



نشان حُسن

نویسنده: لیلا مهدوی

رمان «نشان حُسن» از زاویه‌ای متفاوت به موضوع قیام امام حسین(ع) پرداخته و نقش امام حسن(ع) و فرزندانش را به تصویر کشیده است. کتاب، روایت سفر کاروان امام حسین(ع) از مدینه تا کربلا از زبان پسران امام حسن(ع) و مادرشان است. در این سفر ما با این بزرگواران همراه می‌شویم و اتفاقات را از دریچه چشم آنان می‌بینیم. مهدوی، نویسنده‌ای کتاب اولی است که با توانایی و جسارت زیادی سراغ نوشتن کتابی درباره حماسه عاشورا رفته است. نکته اینجاست که نویسنده سراغ موضوعی رفته که کمتر به آن پرداخته شده و اطلاعات اندکی در تاریخ درباره آن وجود دارد. کتاب از تکنیک‌های خوبی بهره برده و دیالوگ‌های خوبی دارد. مشکل بسیاری از کتاب‌های داستانی، طولانی بودن دیالوگ‌هاست که این کتاب به خوبی از آن دوری جسته است. شکل دوری به شخصیت‌های خیالی نیز از جمله نقاط مثبت کتاب به شمار می‌رود که آن را ارزشمند می‌کند. اشرف نویسنده به شرایط تاریخی - جغرافیایی و اشاره به لباس‌های مناطق مختلف از جمله نقاط قوت کتاب است.



سیاگالش

نویسنده: ابراهیم اکبری دیزگاه

رمان «سیاگالش» اثر ابراهیم اکبری دیزگاه یکی از ۱۵ نامزد جایزه ادبی جلال آل احمد در سال گذشته بود که حساسی از سوی خوانندگان و داوران مورد تقدیر قرار گرفت. «سیاگالش» داستان شیخ جوانی است به نام «الله اندیش»، رؤیابین و غریب که به یک روستای جنگلی برای تبلیغ در دهه محرم می‌رود. او اراده‌اش معطوف به رؤیت وجه‌الله است و در یکی از روزها که جلوه‌هایی از جلوه‌های الهی بر او نمایان می‌شود، ذائقه‌اش نسبت به زندگی تغییر می‌کند. همچنین اتفاق دیگری که برای او می‌افتد، دیدار با «سیاگالش» است. همین امر او را در زاویه توجه اهالی روستا قرار می‌دهد. سیاگالش یک اسطوره تالشی است که از حیوانات جنگل حفاظت می‌کند و اگر کسی حیوانی را بی‌رویه و بی‌موقع شکار کند مورد غضب او قرار می‌گیرد. او در جنگل، یاری‌رسان چوپانان و گالشان است. نثر ساده و بسیط اکبری دیزگاه در کتاب قابل ستایش و هوشمندانه است و او توانسته بدون اینکه به سمت سخت و دشوارنویسی برود، تمام کتاب را با زبانی ساده روایت کند.



اعترافات کاتب کشته‌شده

نویسنده: ساسان ناطق

در این رمان دوپست و چند صفحه‌ای شبانی را می‌بینیم که فرزند کاتب فراری و کشته‌شده درباره معاویه است و آمده تا در ظهر عاشورا مواجهه سپاه شمر و عمرین سعد را با لشکر امام حسین(ع) ببیند و بنویسد. این کتاب اطلاعات دقیقی را از زبان این شبان که پدرش روزی در درباره معاویه بوده و از نیرنگ‌ها و دسیسه‌های معاویه آگاهی داشته است، روایت می‌کند. در این کتاب که در هفت فصل نوشته شده، نویسنده توانسته تخیل را به خدمت بگیرد و در اصل از زبان دو شخص داستان را روایت کند. یک جوان چوپان که در داستان با هویت واقعی‌اش آشنا می‌شویم و دیگری کاتبی که در سپاه عمرابن سعد است و وقایع را می‌نگارد. کتاب «اعترافات کاتب کشته شده» قصه شنیده شده واقعه کربلا را با زبانی ساده و روان روایت می‌کند و در قالب روایی، گفت‌وگوی چند فرد حاضر در حاشیه واقعه عاشورا را بازگو می‌کند؛ افرادی که نه در مقام جنگجو، بلکه در کسوت وقایع‌نگار در حیمه‌ای بر فراز تپه‌ای مشرف بر کارزار مستقر هستند و مخاطب را حین گفت‌وگوهای ردوبدل شده میان خود، هرازچندگاهی به سوی آنچه در صحنه عاشورا در حال وقوع است، می‌برند.



شماس شامی

نویسنده: مجید قیصری

«شماس شامی» در میان رمان‌های تاریخی جایگاه ویژه‌ای دارد چرا که با نگاهی نو و زاویه دیدی متفاوت از سایر آثار این حوزه بیان شده است. کتاب از زبان یک غیرمسلمان مطرح می‌شود و همین موضوع باعث شده تا بدون جانبداری، مسائل و وقایع را پس از حماسه عاشورا بیان کند. شماس نام خدمتکار و محافظ مخصوص جالوت است که از روم به شام آمده است. تمامی روایت کتاب در قالب نامه‌نگاری‌هایی است که شماس با دربار امپراطور روم دارد و مدام در تلاش برای پیگیری احوال اربابش است. در خلال صحبت‌های شماس، نویسنده بسیاری از حوادث کربلا را با روایتی نو به مخاطب معرفی می‌کند. کتاب چندین مشخصه قابل قبول برای خواننده شدن دارد. شجاعت و دلبری نویسنده برای آفرینش اثر از نگاهی متفاوت قابل ستایش است. همچنین او دچار رفتن به سمت شعارگرایی نشده و توانسته با نگارش فصلی کتاب، ضرباهنگ خوبی به داستان بدهد. کتاب به هیچ عنوان خسته‌کننده نیست و چنین حسی به خواننده‌اش نمی‌دهد.



نامیرا

نویسنده: صادق کریمیار

«نامیرا» داستانی در وصف کوفه پیش از واقعه کربلاست و نویسنده درباره شک و تردید مردم در حمایت از امام حسین(ع) و علل آن حرف می‌زند. اگرچه داستان کتاب کاملاً تخیلی است اما بر بستری از واقعیت و با شخصیت‌های واقعی بنا شده است. داستان درباره دختر و پسر جوانی است که برای حمایت از امام حسین(ع) و یزید تردید دارند. در ادامه داستان، این دو جوان طی استدلال‌های مختلف به حقانیت امام حسین(ع) پی می‌برند. نویسنده در این اثر به بخشی از تاریخ اسلام و شیعه می‌پردازد. راوی این داستان خود نویسنده است. کریمیار کتاب را به سبک رمان‌های کلاسیک، آرام آغاز می‌کند، تصویرسازی بی‌نظیری دارد، شخصیت‌ها را یکی یکی وارد داستان می‌کند، آنها را معرفی می‌کند و با داستان به پیش می‌برد. ضمن اینکه «نامیرا» اسیر اختلاف روایت‌های تاریخی هم نشده و از پیشینه تحقیقی خوبی بهره برده است.



فراموشان

نویسنده: داوود غفارزادگان

«فراموشان» از شش روایت تشکیل شده و نویسنده در کتاب به سراغ شخصیت‌هایی رفته که از نگاه مقتل نویسان پوشیده مانده‌اند. برای نمونه روایت قاصد والی مدینه یا روایت یکی از سربازان حرین یزید ریاحی، بخشی از روایت‌های کتاب را دربرمی‌گیرد که در پایان هرکدام آن حادثه عظیم را بازنمایی خواهند کرد. یکی از جذابیت‌های کتاب در به هم پیوستن این روایت‌ها در پایان است تا خواننده را با کل واقعه آشنا کند. غفارزادگان با تسلط بالای خودش در داستان نویسی، طوری روایت‌ها را بیان کرده که وقتی کنار هم چیده می‌شوند، کلیت حادثه کربلا و شهادت امام حسین(ع) را ترسیم می‌کنند، ولی به تنهایی و به صورت مجزا هم دارای معنا هستند. نویسنده برای روایت داستان از شیوه‌های سنتی فاصله گرفته و با این شیوه روایی، شکلی مدرن به داستانش داده است، یعنی او بدون آنکه عنصر خیال را بیش از حد وارد ماجرا کند، بار و تمرکز خیال پردازی‌اش را روی نحوه روایت خود گذاشته است. قطعاً چنین شیوه روایتی برای خواننده بسیار جذاب خواهد بود و او را با سبک‌های تازه‌ای از داستان‌نویسی در این حوزه آشنا می‌کند.



پدر عشق و پسر

نویسنده: سیدمهدی شجاعی

برای سیدمهدی شجاعی، نویسنده نام‌آشنای ادبیات ایران، طی سه دهه نویسندگی، پرداختن به مسائل دینی و مذهبی یکی از دغدغه‌های اصلی بوده است. کتاب «پدر، عشق و پسر» داستان کوتاهی به قلم سیدمهدی شجاعی است که در آن فرازهایی از زندگی حضرت علی اکبر(ع) روایت شده است. وقایع از زاویه اول شخص و از زبان اسب آن حضرت به نام «عقاب» روایت می‌شود و مخاطب راوی در داستان، لیلی بنت ابی‌مره مادر گرامی حضرت علی اکبر(ع) است.

نثر ساده، روان و دلنشین کتاب به خوبی خواننده را درگیر می‌کند. داستان سراسر احساس کتاب، قدرت درگیرکنندگی بالایی دارد و این بخشی از قدرت قلم نویسنده را نشان می‌دهد. یکی از نقاط قوت کتاب فاصله گرفتن از اغراق‌های نایجا و رو آوردن به احساس‌گرایی صرف است. انتقال پیام عشق مقصود اصلی نویسنده است و شجاعی در کتاب فقط به دنبال ذکر مصیبت نبوده است.

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷